

اخلاق اداری از دیدگاه امام علی (ع)

۱. ضرورت اخلاق اداری
۲. اهمیت نوع نگرش اداری
۳. نگاه به کار و مسئولیت
۴. نگاه به مردم
۵. اصول اخلاقی اداری امانتداری
۶. خدمتگزاری
۷. مسئولیت پذیری
۸. انضباط کاری
۹. پیکیری
۱۰. مهرورزی
۱۱. بردباری
۱۲. دادورزی

اصل اخلاقی برای کارمندان

۱) اصل امانتداری:

یکی از اصول اساسی در انجام دادن کارها امانت داری است. اگر انسان، کار و مسئولیت خویش را نوعی امانت بداند، بی گمان حرمت آن را پاس می دارد و تلاش می کند که به خوبی آن را پیش ببرد و باندازه سازد. علاوه بر آن امانت داری، اعتماد را پدید می آورد.

۲) اصل پیکیری:

اصل پیکیری را می توان در دو جنبه مورد نظر قرار داد. جنبه اول پیکیری کار و حصول اطمینان از انجام درست و به موقع آن و کسب نتیجه از فعالیت و جنبه دوم، پیکیری سفارش ها و مسئولیت های محوله به افراد سازمانی، این که چگونه و با چه کمیت و کیفیتی کارها انجام شده است. پیکیری اول مربوط به انجام دهنده فعالیت و پیکیری در جنبه دوم سفارش دهنده اعم از مافوق یا مراجعه کننده را در بر می گیرد.

۳) اصل انضباط کاری:

انضباط کاری به معنای سازمان پذیری، آراستگی، نظم و ترتیب و اجتناب از بی نظمی در کار است. در حقیقت انجام هر کاری با توجه به اصول آن کار و انجام به موقع هر کار میسر و مطلوب است.

رعایت عدل و انصاف در قضاوتها و پاداش ها و تقسیم مسئولیت ها، روحیه کارکنان را بالایی برد. وجود بی عدالتی زمینه ساز فساد را در سازمان ها فراهم می کند. ظهور بی انصافی و بی عدالتی در سازمان ها زمینه ساز پارتی بازی، رشوه خواری، بدگویی و به طور کلی عدم اعتماد می شود. رعایت انصاف و عدالت در سازمان ها باعث فعالیت مثبت و در نتیجه توسعه و پیشرفت سازمان می گردد.

۴) اصل مسئولیت پذیری:

پذیرش مسئولیت باید توأم با قابلیت انجام مسئولیت باشد، بنابراین کسی که مسئولیتی را می پذیرد، در قبال انجام امور مربوطه مسئول است. در واقع کسی که مسئولیتی را می پذیرد، باید جوابگوی اعمال و رفتار خود باشد. عدم توانایی در برآوردن آن چه به عهده شخص گذاشته می شود، می تواند در کل نظام تأثیر گذار باشد.

۵) اصل مهرورزی:

حضرت علی (علیه السلام) چنان بر مهرورزی تأکید و اهتمام داشته اند که آن را حتی از جانب مردمان برگردن کارگزاران معرفی نموده و فرموده است: «... هر چه مرتبه کارگزاران بالاتر رود باید میزان مهرورزی آنان به مردمان بیشتر شود»

۶) اصل خوش رفتاری:

خوش رفتاری یک صفت دینی است، خوش رفتاری های ساختگی و تفضعی در دل نمی نشیند. گشاده رویی، فروتنی و نرم خویی راه نفوذ در دل ها و پیوند قلب ها است. حضرت علی (علیه السلام) در حکمتی والا فرموده است: «گشاده رویی دام دوست است»

(۷) اصل بردباری:

صبر و بردباری از صفات بارز هر انسان موفق است. در برابر حاجت های مردمان شکیبایی ورزید (۵) این سخن مولایکی از دستور العمل های حکومتی و اداری ایشان است.

(۸) اصل دادورزی:

رعایت عدل و انصاف در قضا و پاداش ها و تقسیم مسئولیت ها، روحیه کارکنان را بالایی برد. وجود بی عدالتی زمینه ساز فساد را در سازمان ها فراهم می کند. ظهور بی انصافی و بی عدالتی در سازمان ها زمینه ساز پارتی بازی، رشوه خواری، بدگویی و به طور کلی عدم اعتماد می شود. رعایت انصاف و عدالت در سازمان ها باعث فعالیت مثبت و در نتیجه توسعه و پیشرفت سازمان می گردد.

(۹) اصل پرهیز از خودکامگی:

خودرأیی، خودسری، خودمداری، سلطه گری و خودخواهی تباه کننده فرد و سازمان است. خودکامگی ناشی از نگاه خودخواهانه در مدیریت، کسب امتیاز بدون زحمت و دیگران را تحقیر شمردن است. فرد خودکام به طور کاذب برای خود حق قائل است و برای به دست آوردن حواج خود راه های ناصواب متوسل می شود. خودکامی نه تنها یک صفت مذموم به شمار می رود، بلکه روش های مبتنی بر خودرأیی و تصمیمات خودسرانه، احساس تعلق به سازمان را به شدت کاهش داده و کارآیی کارکنان و اثر بخشی سازمان را متزلزل می کند. ضمن اینکه زمینه ابتکار و نوآوری حلاقت کارکنان را تباه می کند و بدین ترتیب مانع شکوفایی استعداد ها می شود.

کار، وظیفه اجتماعی

از نظر اسلام کار یک وظیفه و مسئولیت اجتماعی نیز می باشد؛ به این معنا که از نظر اسلام، هر انسانی موظف است تا کاری را انجام دهد حتی اگر نیاز شخصی به کار و یا درآمد های آن نداشته باشد؛ زیرا انسان موجودی اجتماعی است و بی اجتماع و همکاری و تعاون نمی تواند زندگی کند. انسان افزون بر نیاز های عاطفی، نیاز های دیگری دارد که از راه کار و تعاون برآورده می شود. ما نمی توانیم به تنهایی همه نیاز های خویش را برآورده کنیم؛ از این رو وقتی به پیرامون خویش می نگریم انبوه چیزهای بی‌نیم که دیگران ساخته و تولید کرده و به ما داده و یا فروخته اند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اکاد علی عیاله کالجهد فی سبیل الله؛ کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش تلاش می کند همانند کسی است که در راه خداوند جهاد می کند

در اسلام، یکی از نشانه های ایمان و اسلام، کار کردن و حضور فعال در تمدن سازی است. اصولاً انسان عابد کسی است که نیازهای خویش را برآورده ساخته و به کمک و یاری دیگران نیز بشتابد. لذا از این روست کسانی که بانامز خواندن و عبادت های دیگر، کارهای خویش را بردوش دیگران می افکنند، از نظر قرب و منزلت، کمترین و پائین تر از مردمی هستند که نیازهای خویش را با تلاش و کوشش خود برآورده می کنند.

امام صادق (علیه السلام) می فرماید: اکاد علی عیاله کالجهد فی سبیل الله؛ کسی که برای تأمین مخارج خانواده اش تلاش می کند همانند کسی است که در راه خداوند جهاد می کند.

از امام رضا (علیه السلام) این معنا وارد شده است که تأمین نیازهای خانواده برتر از جهاد دانسته شده است: الذی یطلب من فضل الله عزوجل ما یکف به عیاله اعظم اجرا من الجهاد فی سبیل الله عزوجل؛ کسی که به منظور تأمین نیازمندی های خانواده اش در پی کسب روزی الهی است، پاداشی برتر از پاداش مجاهد در راه خداوند دارد.

از امام باقر (علیه السلام) نیز روایت شده که: من طلب الرزق فی الدنیا استغفان الناس و توسیعاً علی اهله و تعظفاً علی جاره لقی الله عزوجل یوم القیامه و وجهه مثل القمر لیله البدر؛ کسی که برای بی نیاز از مردم و رفاه خانواده و کمک به همسایگان در طلب روزی حلال باشد، در روز قیامت خداوند رادر حالی ملاقات می کند که چهره اش مانند ماه شب چهارده می درخشد.

فرآوری: انصاری نسب